



پوران خانی، متولد اول تیرماه ۱۳۴۶، با مدرک کارشناسی آموزش ابتدایی ۳۶ سال سابقه فعالیت در آموزش و پرورش دارد که شش سال آن را به تدریس و مابقی را به مدیریت پرداخته است. وی بیست سال مدیر دبستان دخترانه سوم شعبان بوده و در حال حاضر، ده سال است که در سمت مدیر در مجتمع جوادالائمه (ع) فعالیت می‌کند.

در ویتربینی زیبا و رنگارنگ، چند ستاره از پشت شیشه‌ای درخشان، در کنار رنگ‌هایی که برای زیباتر شدن به آن‌ها زده‌ایم، چشمک می‌زنند. چه سرنوشتی در انتظار این ستارگان داخل ویتربینی است؟ آیا این چند ستاره جوابگوی دنیای بیرون هستند؟ ستارگانی که به نظرمی رسد خودشان هم چندان از حبس شدن در یک مکان و احاطه شدن به وسیله زرق و برق‌ها رضایت ندارند. آیا به‌راستی این ستارگان چیزی فراتر از بقیه‌اند یا شوربختانه به آن‌ها القا شده است که شما برترید؟ این ویتربینی زیبا همان فضایی است که ما برای دانش‌آموزان نخبه فراهم می‌کنیم. نخبگانی که آن‌ها را پررنگ‌تر از بقیه می‌بینیم. آن‌ها که اغلبشان پس از شناسایی و معرفی و کسب افتخارات، تاریخ مصرفشان به پایان می‌رسد و رها می‌شوند، بدون آنکه از نخبه بودن آن‌ها استفاده‌ای شده باشد یا آینده‌ای برایشان متصور شود. این روند یعنی تمرکز و توجه بیش از اندازه بر موفقیت گروهی اندک علاوه بر اینکه سرنوشت سایر بچه‌ها و معلمان و حتی مدرسه را تعیین می‌کند، در مقابل آموزش عمومی نیز می‌ایستد، باعث تضعیف آن می‌شود و بنابراین، با عدالت اجتماعی سازگاری ندارد. این رویکرد چنین پیامدهایی را در پی دارد:

- اهداف آموزش عمومی را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.
- باعث می‌شود آموزش برای همه، جای خود را به آموزش برای نخبگان دهد.
- بیشترین وقت و انرژی معلمان و مربیان را به نخبگان اختصاص می‌دهد و بقیه دانش‌آموزان از توجه و حضور آن‌ها محروم می‌شوند. این کار باعث کاهش عزت‌نفس دانش‌آموزان عادی می‌شود؛ زیرا احساس می‌کنند نیازهای آن‌ها نادیده گرفته شده است.
- هزینه و اعتبارات زیادی را

## در حصار ویتربینی نخبگان

پوران خانی

مدیر دبستان دخترانه دوره دوم، ناحیه ۱

بسیاری از موارد هوش‌های عملی نادیده گرفته می‌شوند.

• در خیلی از موارد به دلیل تمرکز بر بعد شناختی دانش‌آموزان باعث می‌شود یادگیری اجتماعی عاطفی اتفاق نیفتد، فرایندی که در آن افراد می‌توانند هیجانانگیز خود را بشناسند و مدیریت کنند، با دیگران همدلی داشته باشند، ارتباطات مثبت برقرار و آن را حفظ کنند. چیزی که جای خالی‌اش به شدت در مدرسه‌ها حس می‌شود.

ما دور هم جمع می‌شویم تا موفقیت‌ها، شادمانی‌ها و کودکی‌های فرزندانمان را با هم تقسیم کنیم نه اینکه تمام قدردانی‌مان را در لوحی زرین تقدیم چند نفر کنیم و بقیه را در حسرت بگذاریم. دور هم جمع می‌شویم تا دسته جمعی سرود موفقیت بخوانیم، دسته جمعی تشویق شویم و اجازه ندهیم حس شیرین «بودن و شدن» با کاری نسنجیده از فرزندانمان گرفته شود. مهم‌ترین وظیفه ما پرورش کودکانی شاد و خوشحال است که بتوانند از زندگی لذت ببرند.

کودک از هر سطح بهره‌ی هوشی که برخوردار باشد، باید خود را باور کند، نقاط قوت و ضعف خود را بشناسد و با یادگیری برای ارتقای خود تلاش کند. در این میان ما تسهیلگر هستیم و باید برای هر سطحی از دانش و عمل بچه‌ها احترام قائل شویم و در نقش رهبر آموزشی، آن‌ها را یک گام به جلو سوق دهیم. باید ایجاد انگیزه کنیم تا کودکانی پرسرگرم، خلاق و توانا داشته باشیم.

«نه به جشنواره‌هایی که فقط چند نفر روی صحنه می‌روند و تقدیر می‌شوند!» یکی از راهکارهایی است که در مجموعه ما می‌تواند از فاجعه سرکوب کردن کودکان جلوگیری کند. امید است در مدرسه‌های ما چنان‌که شایسته است به آموزش عمومی بها داده شود، همه دانش‌آموزان دیده شوند و کودکی و نشاط آن‌ها فدای چند مورد خاص نشود. حواسمان باشد که ناخواسته با اجرای برنامه‌هایی در رشته‌های متعدد و مطرح کردن چند نفر تحت عنوان‌های خاص بقیه را از میدان زندگی، آموزش و حتی از شادی‌های کودکانه که حق مسلم آن‌هاست محروم نکنیم. □

به خود اختصاص می‌دهد، چه از طرف خانواده و چه از طرف مدرسه.

• به دلیل نبود سازوکار لازم و اجرای برنامه‌های ناقص نخبه‌گرایی، رقابت ناسالم بین دانش‌آموزان و حتی مدرسه‌ها به وجود می‌آید و روحیه مشارکت و همدلی را به شکست دادن حریف تبدیل می‌کند. این موضوع با معیارهای تربیت اخلاقی نیز در تضاد است.

• باعث شکاف آموزشی در بخش‌های گوناگون می‌شود. هر جا امکانات و منابع مالی بیشتری باشد، بیشترین سهم را از نخبه‌پروری می‌برد.

• باعث اختلافات طبقاتی و ناهنجاری‌های اجتماعی از قبیل چشم‌وهم‌چشمی می‌شود.

• هیچ کمکی به آموزش عمومی در مدرسه که ۹۵ درصد از دانش‌آموزان را در بر می‌گیرد، نمی‌کند. علاوه بر آن، چون در آینده جایگاهی وجود ندارد که آن نخبگان را تأمین کند، آن‌ها یا سرخورده می‌شوند یا راهی جایی می‌شوند که پذیرایشان باشند. این سرنوشت آن ستاره‌های پشت ویتربینی است، در حالی که ستارگان دیگر را فدای این‌ها کرده‌ایم و هر کدام را با دلی مملو از نفرت و روحی آزرده از ندیده شدن از زندگی عادی باز داشته‌ایم و شیرینی زندگی موفق را با تیرین‌هایی که به چند نفر چسبانده‌ایم از آن‌ها گرفته‌ایم.

• منجر به تک‌بعدی بودن آموزش و پرورش می‌شود. نخبه‌پروری بیشتر هوش تحصیلی را به رسمیت می‌شناسد و در

